

# ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- **سرمدبیر:** حسام‌الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- مصطفی وثوق‌کیا (فرهنگی)

- **زرین رستمی** وند (اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)
- **لیدا فخری** (اندیشه) • **محمدرضا عزیزی** (گزارش)
- **زهره کشوری** (زیست‌بوم) • **فرناز قلعه‌دار** (حوادث)
- **مهدی کلهرزاد** (اجرائی)
- **حجت حکیمی** (صفحه‌آرایی)
- **محسن جانی‌پور** (ویراستاری)
- **ابوالفضل نسایی** (عکس)

- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۱۳ • **روابط عمومی:** **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۸۸۰۵۳۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه اینزو ۹۰-۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۰۰ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

به مهر‌ساز گیتی، مکش رنج امید اینجا  
 که خون‌ها می‌خورد تا شبیر می‌گردد سفید اینجا  
 مقیم نارسایی باش پیش از خاک گردیدن  
 که سعی هردو عالم چون عرق خواهد چکید اینجا  
**بیدل دهلوی**



**امام علی علیه‌السلام:**  
 هر امید، جز امید به خدا، دیوانگی است و هر ترس حقیقی، جز ترس از خدا، آفت و بیماری است.

نهج البلاغه: الخطبة ۱۶۰

## نگاره به یاد خانواده وائل الحدوح (خبرنگار الجزیره) که در غزه به شهادت رسیدند



عزما یصبح نافل الحدوح هو الحدوح...  
 اسامه حجاج / طراح و کارتون‌نویست

فضای مجازی

**امت‌اسلامی در حال بیدار شدن**  
 علی رجیبی، فعال رسانه‌ای در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «۱۰سال قبل، آمریکا تلاش کرد، عراق را با داعش از بین ببرد و خاک رمادی و فلوجه در غرب بغداد را به انضمام «دولت خودخوانده طربیبیل رسیدیم. تقریباً هیچ‌کدام از همراهانم در جمعیت عاشقان مبارزه با اسرائیل در مسز عراق با اردن را انتظار نداشتند. امت اسلامی در حال بیدار شدن است. بیداری اسلامی اینجاست.»

**لنو شدن نمایش دلک‌ها**  
 علی مرادخانی، فعال فرهنگی در شبکه اجتماعی ایکس با اشاره به پروژه نمایش «خانه امن» که قرار بود توسط بازیگران ایرانی پناهاننده به آمریکا اجرا شود، نوشت: «بعد از چندماه سروصدا و تبلیغات، تئاتر این دلک‌ها در نیویورک به دلیل خالی بودن ۸۵درصد صندلی‌ها لغو شد. این سرنوشت کسانی است که به پشتوانه لایک و فالوی روایات‌های اینستاگرامی، فکرمی کنند بدون ایران کسی هستند ولی راهشان به قمرزباله‌دان تاریخ است؛ و بنس‌المهاد!»

**اگر جامعه برای مان مهم است باید به آموزش اهمیت بدھیم**  
 اسماعیل آذری‌نژاد، فعال حوزه کتاب در مناطق محروم در صفحه ایکس خود (تویتر سابق) نوشت: «اگر جامعه رو توسعه‌یافته می‌خواهید به آموزش توجه کنید. اگر نگران بحران در روابط اجتماعی هستید، اگر دوام خانواده پراتون مهمه به آموزش توجه کنید. آموزش، آموزش، آموزش؛ تا دانه‌ای در دست نگیریم، امکان درو کردن نداریم! امروز در موضوع تربیت فرزند در خانه بلوط جلسه داشتیم.»

**وطن ابزار مخالفت سیاسی نیست، هویت ماست**  
 علی رگاب، کتاب‌فروش و بلاگر حوزه کتاب در اینستاگرامش با انتشار عکسی از فلسطین نوشت: «این عکس را گذاشته و نوشته بود: «اگر مخلوط خاک و خون را از صورت‌شان پاک کنی، به‌اندازه کودکان دیگر شیرین و زیبا و دوست‌داشتنی به‌نظر خواهند آمد.» من در پی نوشتن می‌نویسم: ناپس‌هایی که بشرتون رو برای حقوقش از بین ابناء بشر برمی‌گزینید و حقوق بشری‌گزینشی دارید و شعار نه غزه، نه لبنان راهم فقط در مقطعی که از گزینش شما عبور می‌کند به‌کار می‌برید. چون وطن هم برایتان ابزار است، نه مفهوم به ابزار، مفهومی عمومی در نظر شماست برای تمام مایه‌ها. اصلاح ساختار حکمرانی وطن مذکور شما هم از طریق اصلاح ساختار منفعت‌طلبانه محقق خواهد شد. منفعت‌طلب‌های عزیز، بردگان رسانه و وادادگان هویت مستقل فردی که زاویه دیدی برایتان نداشتند: انسان، وطن، صلح و آزادی برای شما واژه نیستند که بازپچه‌ای برای همراهی با موج‌های عوامانه عالم و دیده‌شدن، آه از دیده‌شدن و چگونه دیده‌شدن.»

**صهیونیست‌ها، آیین یهود را تحریف کردند**  
 عطاالله مهاجرانی، فعال فرهنگی در صفحه ایکس (تویتر سابق) خود نوشت: «از سیاه‌ترین دستاوردهای صهیونیسم دزنده افراطی تحریف مزورانه آیین یهود است. به‌همین دلیل ما شاهد حضور یهودیان ضدصهیونیست هستیم. در کتاب اشعای نبی که نتانیاهو به پیشگویی پیامبرانه آن استناد کرد و خود را نور نامید! نور و عدالت و انصاف و شریعت چهارمفهوم به‌هم وابسته‌اند. مانند باب ۵۶. اگر تمام ۶۶ باب کتاب اشعای نبی با دقت و تأنی خوانده شود. به‌روشنی می‌بینیم که صهیونیسم نخستین قربانی‌اش آیین یهود و کتاب مقدس است. تناسب چهار مفهوم عدالت و انصاف و شریعت و نجات به‌صراحت در کتاب اشعای نبی مکرر تبیین شده است. این چهار مفهوم در واقع تفسیر و تبیین نور و هدایت است.»

**سانسور مردم غزه توسط اینستاگرام**  
 میلاد ناظمی فعال رسانه‌ای با اشاره به سانسور جنایت علیه مردم غزه توسط اینستاگرام نوشت: «شما یک ویدیو در مورد حیات وحش لایک کنی یا دو تا دایبسمت تو اینستا ببینی، کل اکسپلور اینستا پر میشه از عکس حیوان‌ها و دایبسمش. حالا ما چند هفته است داریم عکس از غزه و کودک فلسطینی می‌بینیم. دریغ از اینکه یک دونه محتوا از جنایت اسرائیل تو اکسپلور اینستامون باشه.» زهرا چخماقی خبرنگار صداوسیما هم در تأیید این مطلب نوشته است: «من هر آنچه فیلم و عکس از غزه و فلسطین گذاشتم اینستاگرام آنی حذفش کرده و اخطار داده. آنی! صفحاتی که مربوط به فلسطین فالو کرده بودم هم کلاً بسته. اثری نیست که نیست.»

## نقل قول



**مهدی فیروزان**  
 مدیرعامل شهر کتاب

## فلسطین را از دریچه فرهنگ به جوانان نشان دهیم

اگر امروز رجال سیاسی جهان و ایران به مسأله فلسطین می‌پردازند، برخی جوانان ما وارد این حوزه نمی‌شوند و آن را حیطه ممنوعه خودشان می‌شمارند، چراکه نمی‌خواهند وارد علاقه‌مندی‌های گرایشی خاص شوند، اما اینجا حق بزرگی قربانی می‌شود. بخشی از جوانان ما حتی به اخبار فلسطین توجه نمی‌کنند، چراکه قرائت مسلط رایجی از قضیه حمایت یا با آن مخالفت می‌کنند. پس، اگر ما می‌خواهیم مبنایی به فرهنگ بنگریم، وظیفه داریم این مسأله را از زاویه علاقه‌مندی‌های جوانان مطرح کنیم. از زاویه شعر، ادبیات، رمان، کاریکاتور و سینما. اتفاقاً فلسطین در این حوزه‌ها فعالیت فراوانی داشته است، ضمن اینکه فلسطین یکی از اولین سرزمین‌های این منطقه است.

بخشی از صحبت‌های مهدی فیروزان مدیرعامل شهر کتاب در نشست ویژه با موضوع فلسطین

## کتاب

### داستانی درباره ۲۵ سال بعد اسرائیل



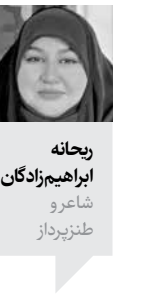
**علیرضا ملوندی**  
 خبرنگار

سال ۱۴۲۰ است؛ یک سال بعد از گذشت جمله معروف آیت‌الله خامنه‌ای که گفتند «اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید» و دیگر دولتی به نام اسرائیل در دنیا وجود ندارد. حالا ایران به یکی از قدرت‌های بزرگ جهان تبدیل شده و در عرصه‌های مختلف سرآمد است. ناگهان ویروسی ناشناخته در سراسر جهان منتشر می‌شود؛ ویروسی که دانشمندان آن را «زایسو» نامیده‌اند. یک گروه ویژه بین‌المللی به رهبری دکتر علی پارسا از ایران مأمور می‌شوند به دنبال کشف منشأ این ویروس بروند. از «وزارت مقاومت جمهوری اسلامی فلسطین» گزارشی به ایران می‌رسد. گزارشی از یک آزمایشگاه مشکوک در اعماق زمین، در منطقه‌ای از فلسطین. دکتر پارسا برای یافتن سرنخ‌هایی از زایسو و نجات ساکنان زمین از دست این میکروب کشنده با یک گروه آموزش دیده به قلب خطر در این آزمایشگاه مشکوک می‌رود. فراز و نشیب‌های مقابله با این ویروس و از بین بردن آزمایشگاه مرموز زیرزمینی در فلسطین، شالوده‌رمانی را شکل می‌دهد که مصطفی رضایی‌کلوزی آن را با نام زایو نوشته و انتشارات کتابستان معرفت راهی بازار کرده و تا امروز هفده چاپ از آن فروخته شده است. یکی از خلاهای فضای داستان ایرانی پرداختن به ژانر علمی-تخیلی است که همین باعث شده خیلی از نوجوانان علاقه‌مند به این فضا به سراغ نمونه‌های خارجی ترجمه شده در بازار که کم‌کم نیستند بروند و مصطفی رضایی‌کلوزی در زایو دقیقاً به سراغ همین ژانر و مخاطبان آن رفته است. زایو با ایده جسورانه و انتخاب ژانر علمی-تخیلی برای قلم‌گویی، از آن دست رمان‌هایی است که از همان ابتدا معلوم است می‌تواند مخاطب نوجوان خوبی پیدا کند و گذشت زمان ثابت کرد این گونه است. رمانی که در کنار بهره‌گیری از عنصر جذابیت به موضوع صهیونیسم هم پرداخته و تلاش کرده است ضمن همراه کردن مخاطب با خود، پیام‌های ضدصهیونیستی را هم در دل خود داشته باشد. اگر خودتان به داستان‌های هیجان‌انگیز علاقه داشته‌اید دور و اطرافتان نوجوان و جوان علاقه‌مند به این فضا دارید، این روزها که جنایات رژیم صهیونیستی اوج گرفته زایو پیشنهاد خوبی برای خریدن و خواندن است و به احتمال زیاد در پایان خواندن کتاب نمره قابل‌قبولی به آن خواهید داد.

## روایت

### ماجراهای خانم آقای او

### عاقبت توله قدر کد خدا...!



**ریحانه ابراهیم‌زادگان**  
 شاعره و طنزپرداز

آقاچان خدابامرز می‌گفت در دهات‌شان یک زمین بایرنامرغوبی بود که احدی آن را کردن نگرفته عمری بی‌صاحب مانده بود. اسوی آقاچان دید ناشکری زست زمین خدا عاظم و باطل نباند، کار زمین کشاورزی خودش که تمام می‌شد می‌رفت قبیل غروب یک ساعتی ناز خاک آن زمین را می‌کشید. شخم می‌زد آب می‌داد دانه می‌کاشت... چند نوبه کاشت نتیجه نگرفت تا سنه سوم زمین به بار دادن افتاد. سالی چند ده کیسه گندم می‌داد و آقاچان به شکرانه، عشر گندم‌ها را نخس می‌کرد بین کم بضاعت‌ها و ندارهای اطراف دهات. پسر کدخدا بعض ابوی‌اش خندانسان بود. از فرنگ آمده بیگار می‌چرخید تا به عقبه زمین بی‌صاحب روستا واقف شده مرض افتاد به جانش قلدری کند. آقا گفت این زمین سهم ارث اجدادیشان بوده، عودت بدهید. هرچه ما فهم و کمالات و هوش و ذکاوت و درایت داریم آقاچان خدابامرز چند برابر داشت؛ بی‌جوشد فهمید ادعای پسر کد کذب است زیر بار نرفت. القصه جنگ بالا گرفت. آقاچان می‌رفت گندم می‌گاشت، پسرکدخدا گاو و بز می‌آورد هرچه بود و نبود عوض عولفه می‌لبانندند و محصول زمین از بین رفته زمین لگدمال می‌شد. اهالی دهات چند نوبه آمدند پادرمیانی کردند که این جوانک زورمند است خرس می‌رود کوتاه‌ها از خیر این زمین بگذر لکن آقا جان که اهل کتاب و کاغذ بود، کوتاه نیامد. گفت این زمین صاحب ندارد بایر بود من آب‌دش کردم، زمینش مال خداست محصولش حق من است. یک روز شال و کلاه کرده باشد رفت ده بالا پیش کدخدا گله‌گزاری کند. حرف رسید به گوش پسرکدخدا، خوف کرد. پیش‌پیش خودش را رساند به آقاچان رنگ عوض کرد. گفت دعوا نداریم که، واقف نبودیم زمین شماست به خطا بهایم آورده بودیم چرا. القصه اهل دهات ملتفت شدند زمین حق آقاچان است وگرنه از خوف غضب کدخدا کوتاه می‌آمد، پسرکدخدا هم اگر زمین را حق خودش می‌دانست پای حرفش می‌ماند و حقش را می‌گرفت. حالا حکایت این روزهای فلسطین داستان زمین آقاچان شده. توفیر که دارد لکن نقلش همان است. اهالی غزه این خاک را حق خودشان می‌دانند. اسرائیل هم کانهو توله لالابالی کدخدا عاظم و باطل چرخیده زورش به مردمی رسیده که خون می‌دهند لکن از خاکی که سهم و حق‌شان از زمین خداست نمی‌گذرند. اصلاً زمینی را که خدا سهم کسی کرده به ظالم و آشغالگر تقدیم کردن کفران نعمت است، خدا قهرش می‌گیرد. آدمیزاد غیرتش به جوش می‌آید می‌بیند زن و بچه و مرد و زن پای خاک وطن‌شان مانده‌اند. سهم‌شان است که مانده‌اند. مثل اسرائیلی جماعت کرور کرور طیاره سوار نمی‌شوند به مقصد هرکجا فرار کنند. مخلص کلام اینکه از قدیم هرچه کذب و سقم بود می‌گفتند اسرائیلیات است. از این جماعت فعل و کلام غیر سقیم در نمی‌آید... والسلام!

## یادداشت

**معرفی ۳ کتاب درباره فلسطین زخمی سربلند**  
**«خانه‌های نمکی» اثر هلاعلیان**  
 این رمان از زمره رمان‌های بین‌نسلی است. این اثر داستان چهار نسل از یعقوب‌ها، خانواده‌ای فلسطینی را روایت می‌کند که زمانی در ویلایی در ساحل یافا زندگی می‌کردند تا اینکه توسط نیروهای اسرائیلی به زور آواره شدند. جنگ ۶روزه در سال ۱۹۶۷ آنها را مجبور می‌کند دوباره خانه‌شان را ترک کنند و بدین ترتیب خانواده از هم می‌پاشد. علیا و همسرش (یکی از شخصیت‌های رمان) به کویت نقل‌مکان می‌کنند، اما این‌بار با تهاجم عراق در جنگ اول خلیج فارس از خانه خود رانده می‌شوند. خانه‌های نمکی، رمان غنایی فوق‌العاده‌ای است که با هوشمندی، تجربه فلسطینی‌ها از خلع ید و تبعید را نشان می‌دهد.

**خانه‌های نمکی**  
**استعاره‌ای است برای ماهیت موقت هر طول سال‌ها دنبال می‌کند.** این اثر بیشتر شبیه مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است که دیدگاهی جامع درباره فلسطینیان و مردمی که مجبور به ترک میهنشان می‌شوند به خواننده ارائه می‌کند. هلا علیان، نویسنده فلسطینی‌آمریکایی به دلیل ارائه روایتی از وضعیت اسفناک افراد ممتاز جامعه، در مقابل تمرکز صرف بر فلسطینی‌هایی که در اردوگاه‌های پناهندگان زندگی می‌کنند، تحسین شده است.  
**آن زندگی می‌کنند.**  
**این اثر بیشتر شبیه مجموعه‌ای از داستان‌هاست** «خارج از آن» (Out of It) که در غزه در جریان انتفاضة دوم می‌گذرد، روایت این است که چگونه هر یک از اعضای خانواده «جهاد» سعی می‌کنند راه خود را در وضعیت فعلی زندگی در میانه ماجراهایی از جمله قتل‌های هدفمند، تخریب خانه‌ها، دستگیری‌های خودسرانه و ناآرامی‌های سیاسی داخلی بیابند. «رشید» که روزهایش را با کشیدن ماری‌جوانا می‌گذراند، بلینش را از طریق بورسیه تحصیلی به لندن می‌گیرد.

**کوته است که دیدگاهی جامع درباره فلسطینیان و مردمی که مجبور به ترک میهنشان می‌شوند**  
**به خواننده ارائه می‌کند**  
 خواهردوقلوش «ایمان» که از ظلم‌ها و بی‌عملی‌های اطرافیانش خشمگین است، به عضویت در یک جنبش مقاومت درمی‌آید تا اینکه راهی برای زندگی با پدرش در خلیج‌فارس پیدا می‌کند و «صبری» پسر دیگر خانواده که روشنفکر معمولی است، روی تاریخ کشور در معرض خشران کار می‌کند. خانواده مجاهد اگر تا حدودی از همسایگان خود ممتاز باشند به این خاطر است که یک خانواده فلسطینی معمولی آواره هستند که یاد گرفته‌اند «فقط برای چیزهای کوچک، چیزهایی که می‌توان در چمدان جدا داد و با آنها گریخت» ارزش عاطفی قائل شوند. بسلم دیاغ، نویسنده فلسطینی‌بریتانیایی برای نوشتن این کتاب در سال ۲۰۱۱ نامزد جایزه کتاب سال گاردین شد.

**«رام‌الله را دیدم، اثر مرید برغوثی**  
 مرید برغوثی وقتی سال ۱۹۶۶ برای تحصیلات عالی به قاهره می‌رفت، اصلاً فکرش را هم نمی‌کرد که تا سی سال بعد، از دیدن روی کشورش محروم می‌شود. او سال ۱۹۶۷ پس از جنگ ۶روزه و هنگامی که تحصیلاتش را به پایان رسانده بود به فلسطین بازگشت، اما مانع از ورود او به کشورش شدند. برغوثی مانند بسیاری دیگر به اجبار زندگی در خارج از کشور را آغاز کرد. سی سال بعد، پس از تلاش‌های مستمر به او اجازه داده شد وارد رام‌الله، زادگاه خود شود، جایی که در آنجا متولد و بزرگ شده بود.  
 کتاب «رام‌الله را دیدم» (I Saw Ramallah) گزارشی از سفر به گذشته شاعری بی‌سرزمین است، خاطرات بازگشت به خانه مردی است که بی‌خانمانش کرده‌اند، تجربه دلخراش یک فلسطینی است که از ابتدایی‌ترین حقوق بشر در کشور تحت اشغال خود و در تبعید محروم شده است. ادوارد سعید، روشنفکر شهیر فلسطینی، این اثر را «یکی از والاترین شکل‌های نوشتن تجربه وجودی نژد گروه‌های مختلف فلسطینی» دانسته است. این کتاب برنده جایزه ادبی نجیب محفوظ در سال ۱۹۹۷ شد. این کتاب را هاجر زامی با عنوان «بازگشت به رام‌الله» به فارسی برگردانده است.



در سالروز شهادت زائران حرم حضرت شاهچراغ (علیه‌السلام) مراسم بزرگداشت آن شهدای والایقام در حرم حضرت شاهچراغ (علیه‌السلام) برگزار شد.  
 عکس: مهر